

انواع روش‌های تدریس

همه ی ما می‌خواهیم طلاب به گونه ای مطالب را یاد بگیرند که بتوانند به طور عمیق، آن‌ها را مورد قضاوت و ارزیابی قرار داده و مسیر کمال خود را تشخیص دهند و مهارت‌های لازم را برای حرکت در آن به دست آورند و آینده ی خود را بسازند. ما نمی‌خواهیم که آن‌ها فقط بدانند، بلکه باید عمل هم بکنند؛ نمی‌خواهیم فقط در محیط آموزشی عمل کننده باشند بلکه در محیط زندگی ظاهری و باطنی، فردی و اجتماعی نیز عامل باشند؛ نمی‌خواهیم فقط برای چند صباحی اهل نظر و عمل باشند بلکه برای تمام عمر و نسل‌های بعد هم اهل نظر و عمل باشند و بلکه فراتر از شناخت، فراتر از ظاهر و فراتر از زمان و مکان، متصل به عمق و محور اصلی باشند. حال با توجه به این نگاه باید روشی را متناسب با آن‌گزینه‌ها نماییم تا به اهدافمان نائل شویم. در این جا با توجه به این که روش‌های رایج در تدریس غالباً روش سخنرانی، توضیحی و حفظی است اما در عین حال ما بر این روش‌ها چند روش از روش‌های دیگر موجود در تدریس را بیان می‌کنیم و سپس روش برتر را که می‌تواند ما را به اهدافمان برساند اشاره می‌نماییم.

۱. روش سخنرانی

در روش سخنرانی، استاد، کم و بیش بدون وقفه در کلاس صحبت می‌کند. شاگردان به سخنان استاد گوش می‌دهند، یادداشت بر می‌دارند و سپس درباره ی سخنان استاد می‌اندیشند ولی با او گفت و گو نمی‌کنند. در نهایت امر، ممکن است بین استاد و شاگردان چند پرسش و پاسخ رد و بدل شود. اما این پرسش‌ها و پاسخ‌ها، برای روشن شدن منظور است و جنبه ی بحث و تبادل نظر ندارد. اساس و هدف تدریس از طریق سخنرانی، ارائه ی اطلاعات از سوی استاد به شاگردان است.

اشکالات روش سخنرانی

- ۱- سخنرانی روشی است که استاد در آن متکلم وحده و فعال است و دانش‌آموزان، غیرفعال می‌باشند زیرا از آنان انتظار می‌رود که ساکت در جای خود بنشینند و به سخنان استاد گوش دهند. این حالت موجب خستگی فراگیران می‌شود.
- ۲- این روش برای آموزش مهارت‌های عملی (به ویژه اگر به تنهایی به کار رود.) روش مناسبی نیست.
- ۳- در روش سخنرانی، استاد اختلافات فردی افراد را در جریان یادگیری در نظر نمی‌گیرد و مطلب را برای همه به طور یکسان ارائه می‌دهد. از این رو ممکن است ضعف فراگیران تا هنگام امتحان، کشف نگردد.
- ۴- جلب توجه و تمرکز فردی فراگیران در طول مدت سخنرانی مشکل است.
- ۵- روش سخنرانی به خصوص اگر به تنهایی به کار رود برای ایجاد مهارت‌های کلامی در فراگیران، روش مناسبی نیست.
- ۶- روش سخنرانی برای ایجاد مهارت‌های ذهنی در سطوح بالای یادگیری مانند درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و... مناسب نیست.
- ۷- در روش سخنرانی، محصل ناچار است مطالبی را که به وی عرضه شده است به زور تکرار حفظ نماید.

۲. روش حفظی

در این روش، استاد، قسمتی از کتاب یا جزوه را به عنوان تکلیف معین می‌کند و فراگیران را مجبور می‌کند مطالب درسی را حفظ کنند و بعد با پرسش‌هایی که استاد مطرح می‌کند، فراگیران به ترتیبی که استاد مشخص کرده، پاسخ می‌دهند. استادان در اتخاذ چنین روشی سه هدف را دنبال می‌کنند:

الف) سنجش میزان تسلط فراگیران به مطالب کتب درسی

ب) ترغیب فراگیران به مطالعه کتب درسی

ج) کمک به یادگیری از راه گوش دادن و تکرار

اشکالات روش حفظی

- ۱- یادگیرندگان، مطالب درسی را حفظ می‌کنند و در پی فهمیدن و به کار بردن مطالب درسی نیستند.
- ۲- هر فراگیر که مورد پرسش واقع می‌شود باید بلافاصله و بدون داشتن فرصت تفکر، پاسخ دهد و آلا استاد از شاگرد دیگری می‌پرسد. بنابراین پاسخ‌ها بدون تفکر و در حدود محفوظات فراگیر خواهد بود.
- ۳- استاد و شاگرد در امر فراگیری مشارکت سازنده ندارند. استاد از یک فراگیر پرسش می‌کند و انتظار پاسخ نیز از همان دانش‌آموز است و بقیه فراگیران درباره درس و فعالیت‌های آن فکر نمی‌کنند. به عبارت دیگر فعالیت‌های درسی به گونه‌ای انفرادی و محدود به یک فراگیر می‌شود.
- ۴- در کلاس درس همه‌ی فعالیت‌ها قلبی و از قبل تعیین شده‌اند و جایی برای خلاقیت و ابتکار باقی نیست؛ تنها محفوظات فراگیران گسترش پیدا می‌کند.

۳. روش توضیحی

تدریس به روش توضیحی عبارت است از انتقال مستقیم مطالب به مخاطبان با بیان شفاهی. استاد در روش توضیحی، متن کامل آموختنی‌ها را ارائه می‌دهد. با وجود این، او نمی‌خواهد که فراگیران به طور مستقیم در کشف حقایق فعال باشند. آموزش‌های کلامی که در سالن‌های سخنرانی ارائه می‌شود از نمونه‌های تدریس توضیحی‌اند. در روش سخنرانی نیز برای تشریح مطالب از کلام شفاهی استفاده می‌شود؛ اما وجه تمایز روش توضیحی با روش سخنرانی در این است که در روش توضیحی، استاد مطالب را از روی کتاب یا جزوه (مطالب نوشتاری) توضیح می‌دهد که اغلب به آن تدریس قیاسی گویند؛ زیرا استاد تدریس خود را با تعریف مفاهیم یا اصول شروع می‌کند و به تشریح آن‌ها می‌پردازد. کتاب‌های درسی نمونه‌های تدریس توضیحی‌اند که هر کدام از نظر روش تدریس و سازماندهی موضوع درس با یکدیگر تفاوت دارند.

اشکالات روش توضیحی

- ۱- این روش، استاد محور است یعنی محصل مطالب آماده را دریافت و حفظ می‌کند و خود در کشف حقایق، فعال نیست.
- ۲- اشکالات روش سخنرانی به این روش وارد است.

۳. روش حل مساله

حل کردن مساله فرآیندی است برای کشف توالی و ترتیب صحیح راه هایی که به یک هدف یا یک راه حل منتهی می شود. وقتی که انسان با مساله ای رو به رو می شود باید بر موانع یا مشکلات موجود در رسیدن به هدفش غلبه یابد. در روان شناسی، مساله، معمولاً به محیط بیرونی فرد مربوط می شود: مانند معما و مساله ی ریاضی که برای هر کدام راه حل و پاسخ مشخصی وجود دارد. در این میان، عامل اصلی در حل کردن مساله، کاربرد تجربه ی قبلی فرد برای رسیدن به راه حل و پاسخی است که قبلاً آن را نمی دانسته است. حداقل در موقعیت ویژه ای که شخص در آن قرار دارد، تجربه، دانش و مهارت گذشته، پیش نیازی در حل کردن مساله است.

اشکالات روش حل مساله

این روش، وقت گیر و تا حدودی دشوار است و نیز برخی از موضوعات درسی را نمی توان با روش حل مساله آموزش داد.

۴. روش خلاق

استاد موضوعی را به میان می کشد و از شاگردان می خواهد تا هر چه در مورد آن به نظرشان می رسد بیان کنند. (نه این که به منابع مراجعه کنند بلکه سعی کنند خود تولید کنند) و نظریه بدهند. استاد آن ها را در تولید نظریات راهنمایی می کند.

اشکالات روش خلاق

۱- این روش فقط در زمینه ی موضوعات ساده قابل استفاده است.

۲- این روش، روشی خوب اما غیرکامل است.

۵. روش تلفیقی پیشنهادی: روش تدریس فعال حل مساله گروهی یا پژوهش محور

۱- روش تدریس فعال حل مساله گروهی می تواند جامع روش های گذشته باشد و منعطف ترین و عمیق ترین تاثیر را در فرآیند یادگیری ایجاد کند. در این روش، استاد موضوع یا مساله ای را مطرح می کند و از شاگردان می خواهد تا هر چه در مورد آن به نظرشان می رسد به صورت فردی بنویسند، سپس با یکدیگر بحث کنند، پس از آن منابع مربوط به آن را بیابند و یافته های خود را با آن ها مقایسه کنند و اصلاح یا تکمیل کنند و آثار عملی نظر خود را جست و جو کنند و بنویسند، سپس نظرات گروهی را در کلاس مطرح کرده تا نقد و بررسی شود. در واقع در این روش، استاد هم باید سخنرانی داشته باشد، هم بنویسد، نکته بگوید، از روی کتاب بخواند، مباحثه کند، تحقیق بدهد، نقد کند و نقد بشنود، مساله حل کند و خلاقیت ایجاد نماید.

۲- در این روش، هدف این است که فراگیران در فرآیند آموزش فعال و پر جنب و جوش باشند البته هیچ روشی به طور محض غیرفعال نیست. برای مثال، در روش سخنرانی، استاد فعال و فراگیران ظاهراً غیرفعالند اما در حقیقت به طور ذهنی فعالند زیرا به سخنان استاد گوش می کنند و درباره ی مطالب آن می اندیشند و

یادداشت برمی دارند. با وجود این، امروزه بسیاری از استادان از آموزش غیرفعال به آموزش فعال روی می آورند تا این که روشی را با بیشترین انعطاف و عمیق ترین تاثیر و با کم ترین هزینه و بیشترین بهره وری برای فعال کردن فراگیران در فرآیند آموزش برگزینند.

**** راهکارهای اجرایی کردن روش پیشنهادی**

الف. بازنویسی محتوای تدریس به صورت شرح فعالیت که شامل موارد زیر می باشد:

۱. استفاده از بیان ساده و روان
۲. بیان کوتاه از اهمیت و ضرورت بحث
۳. جایگاه بحث در دانش مورد نظر و ارتباط منطقی آن با موضوع علم (ارتباط مسائل علم با موضوع)
۴. استفاده از مثال های روش در توضیح محتوای تدریس
۵. ایجاد ارتباط میان محتوای بازنویسی شده و آموخته های پیشین فراگیران

نمونه شرح فعالیت

عنوان فعالیت: مبتدا و خبر در زبان عربی

«مبتدا و خبر» در زبان عربی به عبارتی همان نهاد و گزاره فارسی است. همان طور که می دانید، در زبان عربی جمله به دو قسم اسمیه و فعلیه تقسیم می شود. هر یک از این دو جمله ارکانی دارند که آن ها را پدید آورده است. ارکان جمله اسمیه را «مبتدا و خبر» و ارکان جمله فعلیه را «فعل و فاعل» تشکیل می دهد. برای شناخت جملات باید نخست ارکان آن را بشناسیم تا در تعیین نقش کلمات موفق عمل نماییم. مبتدا در زبان عربی بر دو نوع است:

الف. مبتدای اسمی: همان نهاد در دستور فارسی است با این تفاوت که نهاد می تواند نقش های مختلفی چون فاعل بودن و مفعول بودن را قبول کند اما مبتدا خود به تنهایی نقش اصلی است و نمی تواند در زمانی که مبتدا است، نقش دیگری بگیرد. در این جا دو نمونه از سخنان حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که با مبتدا آغاز شده می آوریم: «الْبَخْلُ عَارٌ وَالْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفِطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَالْمَقْلُ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ؛ بَخْلٌ نَنْگٌ وَتَرَسٌ نَقْصَانٌ اسْتِ وَمَرْدٌ زَیْرُکٌ رَا دَر بَرَهَانِ کَنْدِ مِی سَاZَدُ وَانْسانِ تَهی دَسْتِ دَر شَهْرِ خَوِیْشِ بَیْگَانَه اسْت.»

و «مَنْ ضَیْعَه الْاَقْرَبُ اُتَیْحَ لَهْ الْاَبْعَدُ؛ کَسِی رَا کِه نَزْدِیکَانِشِ وَاکْذَارَنْدِ، بَیْگَانَه او رَا پْذِیرَا مِی گَرَدَد.»

ب. مبتدای وصفی: اسم فاعل یا اسم مفعولی است که بعد از نشانه های (ادات) نفی یا استفهام واقع می شود که طبق دستور زبان عربی بعد از آن، اسم ظاهری یا ضمیر بارزی به عنوان فاعل جانشین خبر، قرار می گیرد. این اسم ظاهر در زبان فارسی بلافاصله بعد از ادات استفهام می آید و در صورتی که ادات نفی بر سر این اسم فاعل یا اسم مفعول بیاید اسم ظاهر بر این ها مقدم می شود؛ در جمله های «آیا حسن زنده است؟ آیا

علی (علیه‌السلام) رزمنده بی نظیر است؟ خداوند نه محسوس است و نه نیازمند.» کلمه‌های زنده، رزمنده، محسوس، علی و خداوند فاعل برای این نوع مبتدا بوده و جانشین خبر است.

ب. مطرح نمودن پرسش‌های مرتبط با شرح فعالیت به صورت مسأله‌محور (ناظر به چگونگی) در راستای کاربردی نمودن قواعدی که تدریس خواهد شد و خلاصه آن در شرح فعالیت آمده است.

به عنوان نمونه در فعالیت پیشین، در پرسش نخست، نمونه‌های قرآنی و روایی آورده شود و از طلبه خواسته شود مبتدای وصفی و اسمی را با توجه به شرح فعالیت، بیابد و دلیل آن را مستدل بنویسد. (کاربردی نمودن قاعده)

در پرسش دوم نیز، آیه و روایت داده شده را متناسب با نقش واژگان ترجمه فنی نماید. (ارتباط بحث با هدف علم)

و در پرسش سوم، از طلبه خواسته شود با تجزیه و تحلیل دو اصطلاح مبتدای اسمی و وصفی، تفاوت لفظی و معنایی میان آن دو را شرح دهد. (بالا رفتن توانایی تجزیه و تحلیل)

ج. دادن تمرین با رویکرد مسأله محور برای جلسه بعدی ...

***** نکات کاربردی بیشتر درباره مهارت‌های مربوط به مسأله نویسی آغازین *****

۱. مهارت ایجاد ارتباط میان مبادی تصویری و تصدیقی. (مسأله نویسی فرآیند ایجاد ارتباط میان داده های اطلاعاتی است که به حل مشکل می انجامد)

۲. مهارت ایجاد پیوند میان آموخته های پیشین و مطالب جدید، برای فعال سازی و ایجاد روحیه خلاقیت در فراگیر.

۳. مهارت ایجاد پیوند منطقی میان مسائل و موضوع و هدف آن علم. (یعنی مسأله از چارچوب علم خاص خارج نگردد و نیز حل مسأله باید در جهت ایجاد توانایی برای رسیدن به هدف علم باشد (توانمندسازی))

۴. مهارت ایجاد مقایسه و تطبیق میان موارد مشابه، درست و نادرست در جهت دادن قدرت تشخیص به فراگیران.

۵. مهارت استفاده از اطلاعات ساده روزمره که در زندگی فردی، شخص با آن رو به رو است در جهت ساده سازی اصطلاحات پیچیده علمی، مانند درس منطق. (البته بخشی از این وظیفه می تواند در ضمن شرح فعالیت تبیین گردد)

۶. مهارت ایجاد توانایی در فرایند حل مسأله و کشف پیوند میان موضوعات از سوی فراگیر. (یعنی مسأله باید به گونه ای نوشته شود که شخص بتواند با ایجاد پیوند میان داده های اطلاعاتی (معلومات ذهنی پیشین) خود، روش حل مسأله را بیاموزد. یعنی توانایی حل مسأله را بیابد. البته باید توجه داشت که در روشهای پیچیده حل مسأله، استاد باید نمونه ای از روش را در قالب «نکات» در ضمن مسأله بیاورد و اگر لازم باشد با حضور فعال خود در کلاس فراگیران را راهنمایی نماید.

۷. مهارت یافتن مشکل با توجه به موضوع و هدف علم با رجوع به منابع اطلاعاتی در هر علم. (مساله نویس باید بتواند گرههای موجود درباره موضوع علم که در برخی موارد سبب به وجود آمدن دیدگاههای گوناگون گردیده است شناسایی کند. این امر مستلزم این است که خود مساله نویس از اطلاعات علمی گسترده ای در علم خاص بهره مند باشد یا اینکه توانایی پی بردن به دیدگاههای گوناگون را از طریق جستجو در منابع اطلاعاتی به دست آورد)

۸. مهارت بازگشت دادن فراگیران از مشکل به مطالبی که زمینه به وجود آمدن مشکل را فراهم نموده اند؛ یعنی مساله باید ناظر به برآیندها باشد و فراگیر با دیدن آن فرایند حل آن را کشف کند.

۹. مهارت تبیین مساله متناسب با فضای ذهنی مخاطب و معلوماتی که پیش از این فراگرفته است. (یعنی همان، مخاطب شناسی/استعداد شناسی که در ضمن شناخت تفصیلی از فراگیران به دست میآید و میتواند هدف از ارزیابی تشخیصی باشد)